

عشق همچون آتش، دل را می سوزاند

اضافه تکیه : آتش عشق (۲) مانند (۱) است ✓

مثبت (۱) → مثبت (۲) ← مثبته

درام بالا
بوی مانند دلم است

خبر
داشت عشق
(۱) (۲)

(۲) مانند داری (۱) است
عشق مانند دل و دماغ کاشته شود

در مکتوباری
خبر از خانه
لحظه عشق
خبر از آنان
نیکوکاری مانند خانه ای داری در است
عشق مانند آن داری لطف است
تصفی = استعاره

بین معنای اصلی و غیر اصلی شباهت نباشد

مجاز

بین معنای اصلی و غیر اصلی شباهت باشد ← استعاره

مجاز
[جام / انوشیروان]
[ترا]

ای معشوق / زنی تو را بوسیدم
چشم ← شباهت ✓ استعاره ✓

{ ایها / ایها / تشبیه / تشبیه }
{ تشبیه / تشبیه / تشبیه / تشبیه }

ایها / تشبیه
ایها / تشبیه
A ← x ← غ ← ق ← ق ← ق

اضافه های تشبیهی و استعاری فارسی دهم

اضافه های تشبیهی					
ردیف	نمونه	درس	ردیف	نمونه	درس
۱	مکعبه پیرایه خرد	۱	۱۵	معرکه قلوب	۱۰
۲	ذخیرت تجربت	۱	۱۶	دشت شب	۱۱
۳	کودک عقل	۳	۱۷	رود خلق	۱۱
۴	گذرگه تاریخ	۳	۱۸	خوشه خشم	۱۱
۵	دیوار عدل	۳	۱۹	گل صبر	۱۱
۶	بوم محنت	۵	۲۰	جام توحید	۱۱
۷	آب اجل	۵	۲۱	تیغ ستم	۱۱
۸	تیر جور	۵	۲۲	پرده اشک	۱۱
۹	نوش لعل	۵	۲۳	گنجینه یادها و خاطره ها	۱۱
۱۰	بنای ظلم	۵	۲۴	آفتاب نعمت	۱۴
۱۱	(خورشید) مهر رخ	۶	۲۵	منجلاب فساد	۱۶
۱۲	خار غم	۷	۲۶	دفتر روزگاران	۱۷
۱۳	آفتاب فتح	۱۰	۲۷	تخم محبت	۱۸
۱۴	آسمان سینه مومنین	۱۰	۲۸	باران رحمت	۱۸
اضافه های استعاری					
ردیف	نمونه	درس	ردیف	نمونه	درس
۱	(خورشید) فروغ روی	۱	۹	خواب مرداب	۱۱
۲	(خانه) در نیستی	۲	۱۰	باریدن مرگ	۱۱
۳	(مجموعه) گوشه وجدان	۳	۱۱	بوی مهربانی و عشق	۱۱
۴	(آثار) وجدان تاریخ	۳	۱۲	بام میهن	۱۱
۵	(آب) لبان اراده	۳	۱۳	بوسیدن سپهر	۱۲
۶	(خانه) در بخت	۵	۱۴	باریدن بدبختی	۱۶
۷	(آفتاب) سینه خاک	۹	۱۵	درهای امید و روشنایی	۱۷
۸	(آب) چشم زمانه	۹	۱۶	غرق گل	۱۷

- ۱- مجموعه (مانند خورشید) دارای فروغ است .
 ۲- نیستی (مانند خانه) دارای در است
 ۳- وجدان (مانند مجموعه) دارای گوشه است
 ۴- تاریخ (مانند آثار) دارای وجدان است (تکلفی)
 ۵- اراده (مانند آب) دارای لب است (تکلفی)
- ★ پیرایه دارد
 طبع دارد و عذراست (مانند طاهر) دارای باره است

✱ تفاوت استعاره و مجاز ✱

ردیف	نمونه از دروس یک و پنج جهت یادگیری	واژه	معنی غیر حقیقی	رابطه شباهت	استعاره	مجاز
۱	که پیدا کرد آدم از کفی خاک به نام کردگار هفت افلاک	کف هفت افلاک	مقدار کم کل جهان	X X	X X	✓ ✓
۲	تویی خلاق هر دانا و نادان تویی رزاق هر پیدا و پنهان	دانا و نادان پیدا و پنهان	همه کس همه کس	X X	X X	✓ ✓
۳	توئی هم آشکارا هم پنهان زهی گویا ز تو کام و زبانه	آشکارا و نهان	همه وجود	X	X	✓
۴	فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک	خاک نقش‌ها	زمین گل و گیاه	X ✓	X ✓	✓ ✓
۵	گفت: درین معرکه یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم	معرکه	جهان و طبیعت	✓	✓	✓
۶	قطره باران، که در افتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک	خاک گهر	زمین گل و گیاه	X ✓	X ✓	✓ ✓
۷	ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد	سرمایه پیرایه	باران گل و گیاه	✓ ✓	✓ ✓	✓ ✓
۸	در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟	پرده نیلوفری	آسمان	✓	✓	✓
۹	پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش	گوش	انسان	X	X	✓
۱۰	ما را سر باغ و بوستان نیست هرجا که تویی تفرج آن جاست	سر	قصد	X	X	✓
۱۱	عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود	عالم نرگس	مردم عالم چشم	X ✓	X ✓	✓ ✓
۱۲	هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد	جهان	وجود و زندگی	X	X	✓
۱۳	آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد	خاص و عام حلق و دهان	همه کس همه وجود	X X	X X	✓ ✓
۱۴	در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد	شیران سگان	انسان‌های شجاع انسان‌های پست	✓ ✓	✓ ✓	✓ ✓
۱۵	بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد	باد شمع‌ها چراغدان	مرگ عمر و زندگی عمر و زندگی	✓ ✓ ✓	✓ ✓ ✓	✓ ✓ ✓
۱۶	زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد	کاروان‌سرا کاروان	دنیا عمر یا حکومت	✓ ✓	✓ ✓	✓ ✓
۱۷	ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد	رمه چوپان شبان	مردم مامور حکومت عامل حکومت	✓ ✓ ✓	✓ ✓ ✓	✓ ✓ ✓
۱۸	برکن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکنند	بنا	ظلم	✓	✓	✓
۱۹	و مکاری از ما سی دینار مغربی می‌خواست، و هیچ چاره ندانستیم	مغربی	مرغوب	X	X	✓
۲۰	بعد از آنکه حال دنیاوی ما نیک شده بود و هر یک لباسی پوشیدیم، به گرمابه شدیم	دنیاوی	اوضاع مالی	X	X	✓

ایهام ها و ایهام تناسب های نیم سال اول

ردیف	نمونه	واژه	ایهام / ایهام تناسب
۱	صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد	سر ایهام روی ایهام جا نگه دارد ایهام	خود ق ق / سر ع ق ق ← دل عجبت ق ق / چرخ ع ق ق ← دل جا بر لب خورشید دارد ✓ جا بر لب من نگه دارد ✓
۲	چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد	بنده ایهام	من ✓ عبد ✓
۳	گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید	بو ایهام	رائحه ✓ آرزو ✓
۴	چو سرو از راستی برزد علم را ندید اندر جهان تاراج غم را	راستی ایهام	صداقت ✓ راست قامتی ✓
۵	مَثَلِ قرآن، مَثَلِ آب است روان؛ در آب، حیات تنها بود و در قرآن حیات دلها بود	روان ایهام	جاری ق ق / اعصاب ع ق ق ← دل
۶	معلم، مرغان را گویا می کشید؛ خرگوش را چابک می بست؛ سگ را روان گزته می ریخت	گویا ایهام چابک ایهام روان ایهام	در حال مفزذن ✓ و افنع ✓ سریع ✓ در حال سریع بودن ✓ راحت و ماری ✓ در حال راه رفتن ✓

عمر ایهام خورشید ✓ محبت ✓

۷ بی عمر ریخت روز مرا نو خاندانست

ردیف	حسن تعلیل های نیم سال اول	توضیح
۱	گل از شوق تو خندان در بهارست از آتش رنگ های بی شمارست	علت ادبی برای خندان و رنگارنگ بودن گل ، اشتیاق برای دیدار خداوند است
۲	درختان را دوست می دارم که به احترام تو قیام کرده اند	علت ادبی برای ایستادن درخت ها ، جهت احترام به امام حسین (ع) است
۳	بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی	علت ادبی برای آویزان بودن شاخه های بید، شرمندگی ناشی از بی حاصلی است
۴	چو سرو از راستی برزد علم را ندید اندر جهان تاراج غم را	علت ادبی برای سرسبزی همیشگی درخت سرو ، راست قامتی و صداقت است
۵	هنگام سپیده دم خروس سحری یعنی که نمودند در آینه صبح دانی ز چه رو همی کند نوحه گری؟ از عمر شبی گذشت و تو بی خبری	علت ادبی برای آواز خواندن خروس در سحر ، هشدار به انسان هاست تا عمر را به غفلت سپری نکنند.